

جایگاه فعالیت های اقتصادی زنان در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها

چکیده

اقتصاد در لغت به معنای میانه نگاه داشتن و به اندازه خرج کردن است و فعالیت های اقتصادی زنان آن دسته از فعالیت هایی است که زن به سبب آن می تواند کسب درآمد کند خواه بیرون از خانه باشد (داشتن شغل) خواه در داخل خانه (مهریه، نفقه، ارث) و دین اسلام با این گونه فعالیت ها هیچ مخالفتی نکرده و حتی در مورد اشتغال زنان تا جایی که زن بتواند به همسر و خانواده خود از لحاظ مالی کمک کند و باعث ضربه زدن به نقش اصلی او که همسری و مادری است نشود او را تشویق هم کرده است. اهمیت و ضرورت این تحقیق این است که جایگاه واقعی زنان را در فعالیت های اقتصادی بیان نماید.

واژگان کلیدی: جایگاه زن در آیات، جایگاه زن در روایات، اقتصاد زنان، اشتغال

طرح مسئله

نگاهی اجمالی به تاریخچه ی فعالیت های اقتصادی زنان روشن می کند، که قرن ها پیش از آن که اروپا به زن حق مالکیت بدهد، اسلام به زنان این حق را داده است، آن هم با هدف های انسانی و نه اغراض سود جویانه سرمایه داری. زنان از نظر اسلام می توانند کار کنند، در خانه یا بیرون از خانه و مالک محصول کار خویش باشند. ارث ببرند و ارث بگذارند، و به هر نوع تلاش سازنده اقتصادی دست زنند؛ سرمایه گذاری کنند و به تاسیس مزرعه و کارخانه بپردازند، این ها همه مسایلی است که در فقه ما مطرح گردیده است.

* دانش آموخته سطح ۲ مدرسه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

این تحقیق به طور جامع از همان ابتدا جایگاه زن در آیات و روایات را بیان کرده سپس به نقش های اقتصادی زنان از دیدگاه اسلام و اشتغال آن با محوریت بانو فاطمه ی زهرا سلام الله علیها پرداخته است.

این رو اسلام تنها در صورتی موافق اشتغال زنان است که سلامت اخلاقی جامعه به مخاطره نیفتد و موجب افزایش نا امنی جنسی نگردد.

مفهوم شناسی

۱-۱ معنا و مفهوم اقتصاد در لغت و اصطلاح

اقتصاد (لغوی): ممایض شدن - میانگی کردن - میانه نگاه داشتن - به اندازه خرج کردن - تعادل دخل و خرج را حفظ کردن

علم: یکی از رشته های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت فعالیت مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و اصول و قوانینی که بر امور مذکور حکومت می کند و وسایلی که باید در عمل با توجه به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ شود تا موجبات سعادت و ترقی جامعه و رفاه و آسایش افراد آن تامین گردد بحث می کند.

۲-۱ جایگاه و منزلت زن در آیات

دیدگاه اسلام درباره زن را می توان دیدگاهی مترقی و در عین حال معنادار دانست. اسلام زن را هم چون مرد انسان می داند که سه ویژگی مهم انسانی یعنی اختیار، مسئولیت پذیری و توان ارتقاء و کمال را داراست و همانند مرد از امکانات رشد و کامیابی برخوردار است که آیه ۳۵ سوره احزاب و آیه ۷۲ سوره توبه و آیه ۵ سوره فتح به آن اشاره دارد.

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا. » (نساء، آیه ۲)

قرآن کریم با این آیه آشکارا به عقاید خرافی مسیحیت پاسخ داد زیرا خطاب این آیه با کلمه «الناس» نشان دهنده این است که زن و مرد در نظر خدا از لحاظ انسانی و منزلت ذاتی برابرند و با کلمه «اتقوا» بطور مساوی به اطاعت و عبادت خدا خوانده شده اند و اهلیت هر دو برای تکامل



روحي برابر بوده و از رشد و عقل برخوردارند زیرا قبول عبادت متوقف بر وجود عقل است و عقل شرط تکلیف است.

و اولاً خود را به قتل نرسانند و بر کس افتراء و بهتان میان دست و پای خود نبندند، یعنی فرزندی که میان دست و پای خود پرورده و علم به آن از انعقاد نطفه او دارند به دروغ به کس غیر پدرش نبندند و با تو در هیچ امر معروفی که به آن ها کنی مخالفت نکنند، بدین شرایط با آن ها بیعت کن و برآنان از خدا آمرزش و غفران طلب که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست. (ممتحنه، آیه ۱۲)

قرآن مجید هرگاه سخن از انجام وظیفه و پاداشت است زن و مرد را مساوی هم می آورند از جمله: « وَ لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ». (نساء، آیه ۳۲)

آرزو و توقع بیجا در فضیلت و مزیتی که خدا به آن بعضی را بر بعضی برتری داده مکنید یعنی در اموری که موهبت خداست و اکتسابی نیست مانند نعمت نبوت، ولایت، هوش، حسن جمال و نطق فصیح و غیره طمع نکنید و بر صاحبانش حسد نوزید و به کسب علم و هنر پردازید- که هر که از مرد و زن از آن چه اکتساب کنند بهره مند شوند و هرچه خواهید از فضل خدا درخواست کنید نه از خلق - تا به شما اعطا کند - که خدا فیاض و به همه چیز داناست. (النساء، آیه ۳۲)

از این آیه به خوبی متوجه می شویم که در قانون و فرهنگ اسلام، زن و مرد در بهره مندی از کسب تلاش و پاداش عبادت و الزام به وظایف و مسئولیت ها مساویند. در قرآن مجید مردان و زنان با القاب همسان و مساوی یاد شده: « إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا » (احزاب، آیه ۳۵)

«همانا کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان اهل طاعت و عبادت و مردان و زنان صابر و مردان و زنان خدا ترس خاشع و مردان و زنان خیرخواه مسکین نواز و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان با حفاظ خوددار از تمایلات حرام و مادران وزنانی که یاد خدا بسیار



کنند بر همه آن ها خدا مغفرت و پاداش بزرگ مهیا ساخته است.»

دریافتیم که ادعای گروهی روشنفکر نما مبنی بر اینکه اسلام برای زن ارزش قائل نیست دروغ و اتهامی مغرضانه بیش نیست و اسلام ارزشی بیش از ادیان دیگر برای زن قائل بوده است.

۱-۲ جایگاه و منزلت زن در روایات

پاداش زن از زمان بارداری تا زایمان و پایان شیر دادن همانند پاداش مرزبان راه خداست، و اگر زن در این مدت از دنیا رود، پاداش شهید برای اوست. (فلسفی، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۸)

بهترین فرزندان دختران هستند زیرا (ملطفات) این دخترها موجوداتی لطیف هستند، ظریف هستند یعنی در ساختمان وجودی زن نهایت حکمت و ظرافت و لطافت بکار برده شده است (مجهزات) زن ها آماده به خدمت هستند برای مردان و برای اجتماع (مونسات) زن انیس های خوبی هستند (مبارکات) مایه برکت خانواده و اجتماع هستند.

امیر مومنان علی (علیه السلام) فرموده: به زن بیش از توانایی اش کاری واگذار مکن، زیرا زن هم چون گل خوشبو موجودی لطیف و پر ظرافت است، نه پهلوان. (مجلسی، بحار الانوار، ص ۲۲۳، ج ۱۰۳)

پنجمین اختر تابناک ولایت امام باقر (علیه السلام) فرموده: هنگامی که زن، صاحب اختیار و اراده باشد، خرید و فروش می کند، شهادت می دهد، از مال خود هر چقدر بخواهد می بخشد، زیرا از این کارها برای او رواست. (حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۱۵)

۱-۲ جایگاه و منزلت زن در کلام امام خمینی

حضرت امام (ره) موقعیت و شخصیت زنان را به آن ها شناساندند و جایگاهشان را تبیین نمودند و با سخنان پیامبر گونه خود استعداد های خفته زنان را بیدار و فعال کرد. ایشان رد جایی فرمودند: زنان باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت نمایند.

و در جایی دیگر فرمودند: شما زنان باید مملکت را بسازید.

و باز فرمودند: زنان از نظر اسلام نقش حساس و بنای جامعه اسلامی را برعهده درند.



همچنین: صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد آن نشأت می گیرد.

ایشان با این سخنان، زنان را وارد در صحنه اجتماع و سیاست نمودند و در عین تشویق به ورود در سیاست و اجتماع و تربیت و سازندگی سخن گفتند و راه سعادت را به آن ها یادآور شدند.

حضرت امام (ره) این مسئله را به زن ها باوراندن که آن ها می توانند هم در اجتماع فعال باشند و هم در سیاست دخالت کنند و هم همسری مهربان برای همسرشان و مادری دلسوز برای فرزندانیشان و هم کدبانوی نمونه ای برای منزل خود باشند. امام چنان به زنان شخصیت دادند که آنان توانستند استعدادهای خود را بروز داده و با اعتماد به نفس به کارهای بزرگی دست بزنند. اینان در ایام دفاع مقدس و در روزگار مقاومت و صبر، با قناعت و صرفه جویی و صبر و رضایت به تمشیت امور خانه پرداخته و با این کار، مشوق بزرگتری برای مردان در امر دفاع و مبارزه با دشمن بودند. آنان در طول انقلاب و پس از پیروزی و در ایام جنگ ثابت کردند که شایستگی آن همه تعریف و تایید از طرف حضرت امام را داشتند. آن ها از حضرت زهرا (سلام الله علیها) الگو گرفته و پیرو حضرت زینب سلام الله علیها هستند و به این پیروی افتخار می کنند. در دروان جنگ تحمیلی زنان ما بهترین امتحان را داده و از این امتحان الهی سرافراز بیرون آمدند. آن ها فرزندان خود را بدرقه کرده و به استقبال پیکر مطهر آن ها رفتند و صحنه های زیبای صبر و شکیبایی را به نمایش گذاشتند. عده ای از آن ها حتی گریه هم نکردند و آن چنان صبر و مقاومتی از خود نشان دادند که در بخاری به جز از زنان صدر اسلام در جایی دیگر دیده نشده است. (مصطفوی، زن از منظر اسلام، ص ۱۰)

زن مسلمانی متعلق به دنیای جدید، در تامین نیازهای مالی خانواده مشارکت می کند. جهان امروز جهان رقابت هاست. کمبود منابع و ازدیاد جمعیت، انسان ها را در رقابتی فراگیر، گاه تا حد منازعه به پیش می برد.

فاطمه، دختر پیامبر، وقتی همسرش را در موقعیتی می یابد که قادر به تامین او و فرزندانش نیست، و همسرش را فقیر و نادار می بیند، شکایت به پدر نمی برد، هیاهو راه نمی اندازد، او را تحقیر نمی کند، بر دامنه توقعاتش نمی افزاید، وضعیتش را با دیگر دختران عرب که به مراتب از او دارای منزلت پایین تری هستند مقایسه نمی کند... بلکه به آرامی و با نهایت متانت و تواضع، پا



به پای او کار می کند. او اجازه نمی دهد کمر علی (علیه السلام) زیر بار برآوردن احتیاجات خانواده، خم شود. این رفتار فاطمه، کاملا ماهیت الگویی دارد. همه ما به خوبی می دانیم که احکام شرع، تامین نفقه زن و فرزند را به عهده مرد گذارده است. و این را نیز می دانیم که بسیاری از آقایان علاقه ای به کار کردن و پول در آوردن همسرانشان ندارند (حال به هر دلیلی، شاید برخی تصور می کنند زنی که دستش توی جیبش رفت، کمتر در مقابل اقتدار بی چون و چرای مردانه تمکین می کند.) ولی با این وجود حضرت فاطمه به ما می آموزد، اگر زنی توان کسب درآمد و مشارکت در تامین مخارج خانواده را دارد. (به سبب داشتن مهارت، دانش، تخصص، ارثیه و...) باید آن را در اختیار خانواده قرار دهد. یا شوهر، سپاسگزارانه آن را رد خواهد کرد یا قدرشناسانه خواهد پذیرفت. فاطمه بی هیچ منتی چنین کرد.

نکته مهم این که تامین نیازهای خانواده وظیفه زن نیست بلکه باید به عنوان نشانه ای از محبت و همراهی و علاقه اوبه همسر و خانواده اش تلقی شود. اگر مردی متلفت این نشد و مساعدت مالی زنش را حق خود دانست، دیگر مشکل با اوست. (ناظر زاده کرمانی، فاطمه الگوی آسمانی برای زنان زمینی، ص ۶۶)

زنان مسلمان، در عرصه اجتماع، نباید زن باشند، بلکه باید انسان ها، افراد، اشخاص، اعضا، گروه... نامیده شوند. زن مسلمانی که از حضرت فاطمه (سلام الله علیها) الگو می گیرد، جدی است. به خصوص، تا زمانی که جامعه به آن حد از رشد و کمال نرسیده که عضو آن، به سبب جنسیت (که امری الهی است نه ارادی)، امتیاز نگیرد و ندهد، زن مسلمان، زن بودن خود را فاش نمی سازد. نه آن را وسیله کسب امتیاز می کند و نه می گذارد به سبب آن، جامعه از امتیازاتش بکاهد. «زنیت»، (اگر این مصدر خود ساخته مرا بپذیرید)، خاصیتی پنهان است.

محتوای سخن یک زن، تخصص او، کارکرد او، تولید اجتماعی او، دانش او، هنر او، مدیریت او، لیاقت او، توان او ... باید از زن بودنش پیش افتد و به بازار جامعه عرضه شود. و هم چنان که فاطمه چنان کرد.

زن الگو پذیرنده از او نیز، باید از خود چیزی را نشان دهد که مربوط به «گوهر انسانی» است و ربطی به جنسیت نداشته باشد.



۱-۳ زن و اقتصاد

اسلام افزون بر تدابیری که برای کاهش مشکل فقر زنان در نظر گرفته، زمینه افزایش ثروت آنان را نیز فراهم کرده است. زیرا زنان گذشته از امکان کسب درآمدهای شغلی می توانند اموال دیگری را به عنوان مهریه، ارث، هدایا و غیره به دست آورند و با توجه به اینکه از نظر شرعی و قانونی از مسئولیت های مالی در قبال شوهر و فرزندان و نزدیکان در بیشتر موارد معاف اند، قادر خواهند بود این اموال را در فعالیت های اقتصادی سودآور به جریان اندازند.

روشن است که در صورت وجود سازماندهی صحیح می توان از سرمایه های مالی زنان به عنوان یکی از منابع عمده ثروت در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشور ها بهره گرفت. با یک محاسبه ساده در می یابیم که از انباشته شدن دارایی های به ظاهر ناچیز هر یک از زنان در کشوری مانند ایران، ثروت های هنگفت هزاران میلیاردی قابل برداشت است که البته بخش عمده ای از آن هم اکنون در سیستم بانکی و بازارهای بورس کشور در جریان است.

در مقابل، مردان ناگزیرند بخش عمده ای از دارایی های خود را در جهت تامین نفقه همسر و فرزندان و سایر مصارفی که معمولاً برعهده آنان قرار می گیرد، هزینه کنند و این امر، سرمایه های مالی مردان را به طور چشمگیری کاهش می دهد. به این ترتیب زن مسلمان ضمن پذیرش شوره خود به عنوان مسئول تامین نفقه خانواده قادر است با استفاده عقلانی از سرمایه های مالی خود به احساس مثبت استقلال نیز دست یابد.

با این همه، نگرش ارزش شناختی اسلام به مال و دارایی درباره زنان نیز همانند مردان صادق است و به همین دلیل الگوی برتر زن مسلمان ثروتمند، یعنی حضرت خدیجه (علیها السلام) همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که از تمامی ثروت خود در راه حفظ و تحکیم اسلام گذشت، از جایگاهی بسیار والا در فرهنگ اسلامی برخوردار است. (بستان، اسلام و تفاوت های جنسیتی، ص ۱۸۲)

۲-۳ درآمدهای مالی زنان

در نظام حقوق اسلام، زنان از تمامی حقوق اقتصادی، قضایی، اجتماعی، سیاسی و معنوی و غیر آن



برخوردارند. و اگر در طول تاریخ سنت ها و آداب و رسوم اجتماعی آن حقوق را خاص مرد میدانسته، اسلام با انقالب اجتماعی و فرهنگی خود طوفانی به پا کرده، نظام جاهلی زمان خود را بر نداشت و برای اولین بار تمام حقوق واقعی زن را در چهارده مقرن قبل از ان که اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل، این حقوق را برای زن، اعلام کند به وی بشارت داد و مساوات و برابری را بین زن و مرد برقرار کرد. (ناظمی، برابری زن و مرد در اسلام و غرب، ص ۳۵)

زنان در اسلام از دو نوع حقوق برخوردارند:

اول حقوق خصوصی: که در بردارنده نفع خود شخص است. (کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ص ۸۲) اعم از حقوق اختصاصی زن که منافع آن تنها مربوط به زن می باشد یا حقوق مشترک بین زن و مرد که هر دو از آن حقوق بهره مند خواهند بود.

دوم حقوق عمومی: که تامین کننده منافع جامعه و مردم است. (کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ص ۸۳)

د ر اینجا درآمد های مالی زنان که شامل مهریه، نفقه، ارث و اشتغال است می پردازیم.

- مهریه

مهریه همان صداق است که در فارسی به آن کابین می گویند. مهریه عبارت است از حق مالی که به محض زناشویی بر عهده مرد قرار می گیرد و از حقوق اختصاصی زن می باشد که قرآن نیز می گوید:

«وَأْتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...» (نساء، آیه ۴)

مهر زنان را با کمال رضایت و طیب خاطر به آنها بپردازید.

در اسلام مهری تا آن درجه از اهمیت برخوردار است که اگر شوهر زنی کافر شود و مهریه زنش را نپرداخته باشد، دولت اسلام او را موظف به پرداخت می کند و در صورت عدم قدرت پرداخت وی، از بیت المال می پردازد، حق حاکم اسلامی حق ندارد از زن بخواهد مهریه خودش را ببخشد یا از آن چشم پوشی کند. (ناظمی، برابری زن و مرد در اسلام، ص ۳۶)



– نفقه

نفقه عبارت است از پرداخت هزینه های عمومی و عادی زن در خانواده، مانند خوراک و پوشاک و مسکن و دیگر نیازهای ضروری زن در حد متعارف که باید از طرف مرد به زن پرداخت شود. پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) در آخرین خطبه خود به آن اشاره کرده است و فرموده است: «...فعلیکم کسوتهن و رزقهن بالعمروف...». (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳۰،

باب ۶، ح ۲)

بر شما مردان است که لباس و خوراک زانتان را به نیکی تامین نمایید، علوه بر آن مستحب است مردان تلاش بیشتری کرده، زنان و خانواده را در رفاه و آسایش قرار دهند تا زن بتواند به وظایف اصلی خود که همانا تربیت فرزند است با آسودگی خاطر بپردازد.

گرچه زن نیز با خدمت به شوهر در منزل و همکاری با او راستشرا بر منزلت جسم می بخشد و جاه و جلال خود را ثابت می کند. در حدیثی از حضرت رضا (علیه السلام) به وجوب ایجاد رفاه و آسایش برای زن تعبیر شده و فرموده: « صاحب النعمه یجب ان یوسع علی عیاله. » (تحف العقول، حرانی، حسین به شعبه، ص ۴۶۶)

کسی که از نعمت زیادی برخوردار است بید در هزینه عیالش گشاده دست بوده و بر آن وسعت بخشد. (ناظمی، برابری زن و مرد در اسلام، ص ۴۴)

– ارث

زن قبل از اسلام در بسیاری از تمدن ها و قوانین کور ها از ارث محروم بود، مثلا در اسکانداوی و برخی کشورهای اروپایی دختر ارث نمی برد. (صدر، حقوق زن در اسلام، ص ۳۲)

ولی اسلام این رسم را از بین برد و حق مسلمی از ارث را برایش تشریح نمود که در بیشتر موارد یک دوم ارث مرد است این تفاوت هم بدون حکمت نبوده و به گفته علامه طباطبایی نیمی از سهم مرد طبعاً صرف نفقه و مخارج زن خواهد شد و به زن باز خواهد گشت قرآن برای اثبات حق ارث زنان با آیه « لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ

الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيْبًا مَّفْرُوضًا» (نساء آیه ۷)

زن را در کفار مرد و همانند او ذی حق در دریافت ارث معرفی کرد و استقلال او را نشان داد، در شرایطی که در جامعه عرب آن روز و حتی سایر ملل معاصر، زن نه ارث می برد و نه حق مالکیت داشت. (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران ماده ۱۱۱۸)

حتی در حقوق داخلی ایران اسلامی استقلال مالی زن مورد تاکید قرار گرفته که طبق ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی «زن مستقلا می تواند در دارایی خود هر تصرفی را بنماید» (همان)

– اشتغال

در اسلام هیچ منعی برای اشتغال زنان به کارهای مناسب و شایسته وجود ندارد، بلکه حتی تاکید بر کار و تلاش از طرف آنها شده تا با کمک همسران خود بهتر بتوانند به تربیت فرزندان خویش بپردازند. آن چه در اسلام برای زنان ممنوع شده از این جت است که آنان مورد ظلم قرار نگیرند و کارها و شغل های نامناسب و دور از شان خود را برنگزینند، یا که به کارهای سخت که از نظر جسمی توانایی انجام آن ها را ندارند مجبور نشوند و گرنه مانعی برای حضور زن با تمام شرایط و موازین اسلامی در هیچ کاری دیده نمی شود یک قاعده کلی عقلی و فطری وجود دارد که می گوید دادن هر مسئولیتی به هر فردی باید براساس لیاقت و توانایی او باشد. علی (علیه السلام) می فرماید: «ان احق الناس لهذا الامر اقواهم علیه واعلمهم بامر الله فیه» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷، ص ۵۵۸)

شایسته ترین مردم برای زمامداری (و حتی هرکاری) کسی اس که برای اداره آن کار از همه تواناتر و به دستورات خدا در این باره آگاه تر باشد.

این یک اصل عقلی است که نه تعبد بدان راه دارد و نه قابل تخصیص است، یعنی نمی توان بر آن استثناء زد زیرا احکام کلی عقل همانند قواعد ریاضی غیر قابل تخصیص هستند. مثلا یکی از احکام عقلی این است که ظلم قبیح است. بر این حکم عقلی نمی شود تبصره ای زد و موردی را یافت که ظلم باشد ولی قبیح نباشد، چون همه جا ظلم قبیح است. بنابراین زن در حد توانایی جسمی و روحی خود با رعایت موازین اسلامی و رعایت حقوق همسر خو می تواند هر نوع شغلی را



برگزینند و در جهت ادای وظیفه خود از هیچ کوششی دریغ نکنند. حتی در منابع فقهی داریم که اگر زنی قبل از ازدواج به انجام کاری اشتغال داشت و شوره با قبول همین وضعیت رضایت خود را اعلام کرد حق ندارد با اشتغال او مخالفت کند مگر این که منافات با حق و حقوق او داشت باشد و به کاری مشغول شود که خلاف شرع باشد که در قانون مدنی ماده ۱۱۱۷ به آن اشاره شده است: «شوهر می تواند زن خود را از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانواده یا حیثیات خود یا زن باشد منع می کند.» درباره این که آیا شغلی منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت مرد است یا نه ضابطه کلی نمی توان دست داد. بلکه این امر برحسب زمان و مکان و وضع خانواده تفاوت می کند و تشخیص آن با عرف است. (ناظمی، برابری زن و مرد در اسلام و غرب، ص ۴۸)

۱-۴ تاریخچه ی اشتغال زنان

در قدیم حتی در کشورهایی چون انگلستان زن اجازه نداشت از لحاظ اقتصادی استقلال داشته باشد و بتواند برای خود سرمایه ای کسب نماید.

ولی بالاخره با صنعتی شدن اروپا، این فشار از بین رفت و به مرور زمان زن استقلال اقتصادی خود را بدست آورد. در انگلستان که سابقاً شخصی زن کاملاً در شخصیت مرد محو بود، قانون یکی در سال ۱۸۷۰ و دیگری در سال ۱۸۸۲ میلادی به اسم قانون مالکیت زن شوهردار از زن رفع حجر نمود. در ایتالیا قانون ۱۹۱۹ میلادی زن را از شمار محجورین خارج کرد. در قانون مدنی سوئیس (۱۹۷۰ میلادی) اعلام شد که زن مثل شوهر خود اهلیت دارد. ولی زن شوهردار در حقوق پرتقال و فرانسه هنوز در اعدا محجورین است. گو این که قانون ۱۸ فوریه ۱۹۳۸ در فرانسه حدود حجر زن شوهردار را تعدیل کرده است. (رک: دوست محمدی، شخصیت زن، ص ۶۸)

اما دین و ملیت ما از قدیم به زن استقلال اقتصادی بخشیده و او را ازاد گذاشته تا پا به پای مرد در جامعه حضور داشته باشد و در سازندگی اجتماع خود کوشا باشد. زنان سرزمین کهنسال ما، از هفت هزار سال پیش و بطور کلی در تمام طول تاریخ، دوش به دوش مردان خود، برای پرورش و بقای نسل ایرانی و برای تامین معیشت و مایحتاج زندگی جوامع انسانی با کوشش مام کار کرده اند. و در تاریخ صدر اسلام اگر به دقت بنگریم متوجه می شویم که اسلام از زنان می خواهد تا در جامعه حضور داشته باشند و در فعالیت های اقتصادی نقش فعالی را ایفا نمایند و از این مهمتر



به زنان اجازه می دهد تا استقلال اقتصادی داشته باشند تا جاییکه خداوند در کتابش می فرماید: «برای مردان از آنچه که کسب کرده و به دست آورده اند، نصیبی و بهره ای هست و برای زن از آنچه که کسب کرده و به دست آورده اند نصیب و بهره است.» (نساء، آیه ۳۲)

در عصر حاضر بیش از نیمی از جمعیت کره زمین را زنان تشکیل می دهند و بر محققین ثابت شده که بدون حضور زنان در صحنه کار و فعالیت، نمی توان حجم کار و تولید را افزایش داد و به دو برابر رساند، فلذا زنان، گذشته از همکاری در همه زمینه های حرفه ای مردان، در مقامات عالی ریاست و مناصب پر مسئولیت نیز وارد شده اند. (نورزی، منزلت زن ایرانی، ص ۵۹)

۲-۴ دیدگاه کلی اسلام درباره اشتغال زنان

با نگاهی به قرآن کریم و منابع روایی و تاریخی درمی یابیم که اشتغال زنان به معنای کار درآمدزا به خودی خود هیچ ممنوعیتی در اسلام ندارد، بلکه به عنوان یک واقعیت مفروض گرفته شده است. قرآن کریم از دختران پیامبر بزرگ، حضرت شعیب (علیه السلام) یاد کرده که به کار چوپانی اشتغال داشته اند، (قصص، ۲۳) بر حسب روایات نیز زنان مسلمان در زمان پیامبر و امامان معصوم علیه السلام در مشاغل گوناگونی هم چون تجارت (الطبرانی؛ المعجم الکبیر، ج ۲۵، ص ۱۳)، صنایع دستی (همان، ج ۲۴، ص ۲۶۴)، ریسندگی و بافندگی (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۶۴ از ابواب مایکتسب به، ص ۱۷۴)، آرایشگری (همان، باب ۱۹ از ابواب ما یکتسب به صص ۹۳-۹۵)، خدمات خانگی (همان، ج ۱۵، باب ۳۴ از ابواب العدد، ص ۴۶۱)، اجاره املاک (همان، ج ۱۳، باب ۳۱ از کتاب الاجاره، ص ۲۸۰)، تولید مواد خوشبو کننده (الکلبینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۹۶). و ... به عنوان کار درآمدزا به فعالیت می پرداخته اند و به استثنای مشاغل فسادانگیزی مانند روسپی گری و آوازخوانی در مجالس گناه (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۵ و ۱۵ از ابواب ما یکتسب به، صص ۶۲-۶۵ و ۸۴-۸۵)، هیچ مخالفتی با اشتغال زنان صورت نگرفته است، هر چند توصیه و تشویق خاصی نیز نسبت به اشتغال زنان در متون دینی مشاهده نیم شود. پس می توان حکم اولی اشتغال زن در اسلام را جواز آن دانستن گرچه با ملاحظه قیود خاصی ممکن است احکام دیگری مثل کراهت یا استحباب به عنوان ثانوی برای آن ثابت شود.

در توضیح وجه کراهت اشتغال زنان می توان این واقعیت تاریخی را گوشزد کرد که اسلام با



الگوی تقسیم کار جنسیتی که در جامعه صدر اسلام حاکم بوده، مخالفتی نکرده است، بلکه میتوان گفت احکام الزامی یا اولویت های دین در تثبیت این الگو نقش موثری داشته اند. از یک سو، اسلام نفقه زن را بر شوهر واجب کرده و زنان را از مسئولیت اقتصادی در برابر خانواده معاف نموده است.

از سوی دیگر، اهتمام اسلام به کاهش اختلاط جنسی در سطح جامعه و تاکید بر نقش مادر- همسری زنان، زمینه فرهنگی مناسب را برای تقسیم کار جنسیتی فراهم کرده است، به این صورت که زنان عمدتاً به سوی فعالیت های مربوط به خانه درای سوق داده شده و مردن مشاغل بیرون از خانه را به عهده گرفته اند. توجیهی که برای این رویکرد اسلام می توان یادآور شد، این است که اسلام اشتغال زنان را نه به خودی خود، بلکه در فرضی که به مصالح مهم تر به ویژه ایفای نقش های مادری و همسری و حفظ پاکی و سلامت اخلاقی جامعه آسیب می رساند، ناپسند شمرده است.

در مقابل، چنان چه اشتغال زن با برخی عناوین مطلوب شرعی ملازم باشد و به جنبه های منفی یاد شده نیز منجر نشود، می توان رجحان اشتغال زن را به عنوان ثانوی نتیجه گرفت، مانند موردی که زن به دلیل عدم کفاف درآمد شوهر برای تامین هزینه های زندگی و به منظور یاری رساندن به او به اشتغال روی می آورد، بدون آن که در انجام نقش های خانوادگی او اختلالی پدید آید یا ناگزیر از اختلاط با نامحرمان در محیط کار گردد، که مصداق روشن آن، اشتغال رد محیط منزل یا مجاورت آن بدون حضور نامحرمان است. شایان ذکر است که یاری رساندن زن به شوهر در امور دنیوی و اخروی به عنوان یکی از ویژگی های زن شایسته در برخی روایات مورد تاکید قرار گرفته (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۶ و ۹ از ابواب مقدمات نکاح، صص ۱۴ و ۲۴) و اطلاق این روایات که کمک به شوهر در تامین هزینه های زندگی از طریق اشتغال را نیز در بر می گیرد، دلی رجحان شرعی اشتغال زن در فرض یاد شده است.

اما نکته درخور توجه آن است که الگوی مطلوب اسلامی بر حسب ساختارهای اجتماعی و ادوار تاریخی گوناگون می تواند شکل های متفاوتی به خود بگیرد. از این رو، برای معرفی الگوی اسلامی در اوضاع اجتماعی کنونی ضرورت دارد عناصر اصلی الگوی صدر اسلام را از عناصر



موقعیتی و عارضی آن تفکیک کنیم وبا تکیه بر عناصر اصلی، الگوی متناسب با جامعه و زمان حاضر را ارائه دهیم.

همان گونه که اشاره شد، اسلام با اشتغال زنان له خود به خود مخالفتی ندارد و تنها بر کاهش اختلاط جنسی را جامعه و اولویت نقش مادر همسری برای ایشان تاکید می ورزد. بنابراین، با رعایت این دو اصل در برنامه ریزی های خرد و کلان اجتماعی می توان در جهت تحقق الگوی اسلامی تقسیم کار جنسیتی و اشتغال زنان حرکت کرد، هرچند شکلی که این الگو در جامعه کنونی پیدا می کند، با شکل آن در جامعه صدر اسلام تفاوت های آشکاری خواهد داشت.

۳-۴ انگیزه های اشتغال زنان:

تامین هزینه های زندگی مشترک

فرار از کار خانه به سبب ناتوانی یا حقیر شمردن آن»

افزایش تجربه واطلاعات خود

ارضا نشدن به کار خانه و خانه داری

همانند سازی

پر کردن اوقات فراغت زیاد که بیشتر در زمان مجرد دیده می شود. (نوروزی، منزلت زن ایرانی، ص ۸۹)

- تامین نیازهای معیشتی و افزایش درآمد شخصی یا خانوادگی همواره اصلی ترین انگیزه اشتغال خواه برای مردان و خواه برای زنان بوده است. به نظر می رسد اوضاع نامناسب اقتصادی در دهه های اخیر در کشورهایی مانند ایران که با بالا رفتن سطح انتظارات رفاهی همراه بوده، بیشترین تاثیر را در روی آوردن زنان به بازار کار داشته است. اما تحقیقات انجام شده، دخالت انگیزه های دیگری را نیز در اشتغال زنان نشان داده اند که دستیابی به استقلال و آزادی فردی، تامین ایمنی برای آینده خود و خانواده، افزایش تعامل اجتماعی، علاقه به کار و امکان برآوردن خواسته های شخصی از مهم ترین آن ها به شمار می روند. (سفیری، جامعه شناسی اشتغال زنان، ص ۴۵)



از آن جا که بیشتر این انگیزه ها با بیماری های اقتصادی و فرهنگی جوامع در ارتباط اند، از دیدگاه اسلام وضعیت مطلوب زمانی حاصل می شود که پدیده هایی هم چون فقر، نابرابری طبقاتی، طلاق و خشونت بر ضد زنان به پایین ترین سطح ممکن برسند، به گونه ای که زنان ناگزیر نباشند برای رهایی از پیامدهای این مشکلات، بار سنگین اشتغال را به دوش کشند.

اما در شرایط موجود اشتغال زنان با انگیزه های یاد شده در بیشتر موارد منافاتی با ارزش های دینی ندارد. تامین نیازهای معیشتی خود و خانواده، کسب عزت نفس، برآوردن نیازهای جامعه و تضمین ایمنی آینده خود و خانواده، انگیزه هایی مثبت و مقبول به شمار می آیند، ولی هنگامی که انگیزه های مالی در شکل زیاده خواهی، رفاه طلبی و تجمل پرستی بروز می کنند و یا زمانی که اشتغال زنان جنبه رقابت با مردان و تلاش در جهت تشابه جنسی کامل به خود می گیرد، نمی توان موافقت اسلام را با چنین انگیزه هایی انتظار داشت. در همین راستا، مشارکت آزمندانه زنان با شوهران خود در امر تجارت به عنوان یکی از نشانه های دوره آخرالزمان در روایات اسلامی مورد نکوهش قرار گرفته است. (النوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۲۷).

۴-۴ موانع اشتغال زنان

وجود مجموعه ای از موانع و دشواری ها همواره اشتغال زنان در بازار کار را تحت تاثیر قرار داده است، ضمن آنکه هر یک از این موانع و دشواری ها از تاثیر متقابل دو یا چند عامل زیستی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نشات می گیرد. در این جا برخی از مشکلات اساسی را در این زمینه بررسی می کنیم که عبارتند از: تعارض نقش های خانوادگی و شغلی، موانع شرعی و قانونی و پیامدهای اختلاط جنسی در محیط کار.

تعارض اشتغال و نقش های خانوادگی

در مسئله ترجیح اشتغال زن بر نقش های مادری و همسری یا برعکس، دو مال تاثیر گذار است: الف) مبانی ارزشی و ایدئولوژیک صاحب نظران،

ب) شواهد تجربی مورد استناد آنان. درباره عامل نخست، فمینیست ها معمولا در سلسله مراتب نظام ارزشی خود، برابری جنسی به ویژه در قدرت و منزلت اجتماعی را در رأس هرم جای داده و



سایر ارزش ها را تحت الشعاع آن و دارای اهمیت ثانوی می دانند. در این میان، کسانی که اصل ارزشمندی نهاد خانواده را انکار می کنند، شعار نسخ خانواده سر می دهند و کسانی که به اهمیت ارزش های زندگی خانوادگی اذعان دارند، می کوشند الگوی جدیدی از آن را که در راستای هدف غایی یعنی برابری جنسی باشد، معرفی کنند.

در مورد عامل دوم نیز باید به پژوهش های تجربی فراوانی اشاره کرد که درباره موضوعاتی مانند تاثیر اشتغال مادران بر فرزندان و تاثیر اشتغال زنان بر ثبات زندگی زناشویی انجام شده است. گرچه صاحب نظران در این مورد موضوعات هنوز به توافق نرسیده اند، ولی در خصوص تاثیر اشتغال مادران بر فرزندان به نظر می رسد برخلاف دیدگاه هایی که اشتغال مادر و جدایی او از کودک را حتی به طور کوتاه مدت برای کودک بسیار مضر می دانند. و دیدگاه هایی که آسیب های مشاهده شده را به عومل دیگری غیر از اشتغال مادر نسبت می دهند، بتوان از دیدگاه معتدلی حمایت کرد که جدایی های کوتاه مدت در قالب اشتغال پاره وقت را برای کودکان، مزیت بخش یا دست کم بی ضرر می داند، اما جدایی های دراز مدت را به ویژه برای کودکان خردسال زیان آور تلقی می کند.

در مورد تاثیر اشتغال زنان بر ثبات روابط زناشویی نیز می توان مشابه همین ارزیابی را داشت، زیرا روشن است که زن در صورت اشتغال تمام وقت به سبب خستگی بیش از حد و نداشتن فرصت کافی، امکان حمایت عاطفی از شوهر را به شکل مطلوب نخواهد داشت و در چنین وضعیتی احتمال بروز اختلال در روابط زناشویی به شدت افزایش می یابد.

اسلام ضمن آن که اشتغال زنان را مجاز دانسته، بر اولویت های نقش های مادری و همسری تاکید دارد. جهت گیری نظام اجتماعی اسلام، تحقق جامعه ای سالم و صالح است که بسیار متعالی تر از جامعه یکپارچه ی پارسونز خواهد بود. از آن جا که سلامت جامعه علاوه بر نظم ارگانیک آن بر حسب شاخص های دینی همچون عفت و طهارت روحی تعریف می شود، این امر در مناسبات اجتماعی و به طور خاص در مناسبات جنسیتی بازتاب ویژه ای می یابد. از یک سو، با توجه به این که روند رشد بدنی و شخصیتی کودک، تاثیر بسزایی در سلامت روانی و اخلاقی او در دوران جوانی و بزرگسالی دارد و نیز این که رابطه مادر و فرزند به ویژه در سنین اولیه کودکی،



نقش محوری را در این زمینه ایفا می کند، دلیل اولویت یافتن نقش مادری در مقایسه با نقش شغلی از دیدگاه اسلام مشخص می شود. از سوی دیگر، تقسیم کار جنسیتی در خانواده، مستلزم کاهش اختلاط زنان با مردان در سطح جامعه است و تاثیر این امر بر سلامت معنوی جامعه، موجب اولویت یافتن این الگو در برابر الگوی مساوات جویانه است.

اکنون باید جایگاه اصل برابری نیز مشخص شود. هم در نگاه پارسونز و هم در دیدگاه اسلامی، ارزش عدالت بر ارزش برابری حاکم می گردد با این تفاوت که نگرش آخرت گرایانه اسلام به تصویری از برابری می انجامد که نه تنها از مفهوم عدالت جدا نمی افتد، بلکه در ضمن آن تحقق می یابد. بر طبق آیات و روایات هرگونه نابرابری در قدرت و پایگاه اجتماعی بین زنان و مردان با ایمان که احتمالا از نقش های متفاوت آن ها برمی خیزد، با پاداش های اخروی جبرانی می شود. پس حاکمیت اصل عدالت، چشم پوشی از اصلی برابری را در پی ندارد؛ چرا که در پیشگاه خداوند همه انسان ها از هر نژاد و قومیت و جنسیتی، یکسان و برابرند و چیزی جز پرهیزگاری موجب برتری و امتیاز نمی شود.

همان گونه که پیش تر اشاره شد چنین نگرشی مستلزم آن است که اشتغال زن به عنوان یک امر مباح و در مواردی راجع تلقی گردد، مشروط به این که اولاً با نقش های مادری و همسری تعارض نداشته باشد و ثانياً مستلزم اختلاط جنسی در سطح جامعه نباشد. با فقدان دو شرط یاد شده، اشتغال زن نه تنها رجحان خود را در دیدگاه اسلام از دست می دهد، بلکه حتی می توان به ناپسندی و کراهت آن قائل شد. مدلول ضمنی این سخن آن است که اگر سیاست هایی که در حمایت از زنان شاغل به مرحله اجرا در می آیند، بدون لطمه زدن به نقش های خانوادگی زنان، موجب کاهش تعارض این نقش ها با اشتغال آنان گردند، از دیدگاه اسلام مورد تایید خواهند بود. اما سیاست هایی که اولویت اشتغال بر نقش های خانگی را مفروض گرفته یا دست کم اولویت نقش های خانگی را نادیده می گیرند و در نتیجه، بر روند ایفای نقش های خانوادگی زن تاثیر منفی بر جای می گذارند، با دیدگاه اسلام همخوانی نخواهند داشت.

اکنون آیا می توان نتیجه گرفت که اسلام فرضیه تعارض نقش های خانوادگی را با اشتغال زنان را تثبیت می کند؟ در پاسخ به این پرسش باید موضوع ارزش های غایی را بار دیگر یادآور شویم. اگر



در حوزه اشتغال زنان، برابری و تشابه جنسی را هدف غایی بدانیم، ناگزیر باید بپذیریم که دیدگاه اسلام با اولویت دادن به نقش های مادری و همسری برای زنان، مانعی فرا روی برابری شغلی میان زن و مرد ایجاد کرده و به تعبیر دقیق تر، این مانع دیرینه را تثبیت و تقویت نموده است. اما اگر برابری شغلی هدف نباشد، بلکه اشتغال زنان صرفا به لحاظ پیامدهای مثبت آن هم چون افزایش درآمد به منظور تامین نیازهای معیشتی و تضمین ایمنی آینده خود و خانواده، مطلوب باشد، روشن است که الگوی اسلامی توزیع نقش های خانوادگی نمی تواند مانعی در برابر اشتغال زنان قلمداد شود. (بستان، اسلام و تفاوت های جنسیتی در نهادهای اجتماعی، ص ۱۵۸)

موانع شرعی و قانونی

طرفداران حقوق زن، مسئله لزوم احراز رضایت شوهر توسط زن برای خروج از منزل را که در شرع اسلام بر آن تاکید شده است، گاه به عنوان مانعی در برابر اشتغال زنان مطرح می کنند. بر حسب ادعا، وقتی مرد شرعا می تواند خروج همسر خود از منزل را محدود یا ممنوع کند، این بدان معناست که هر زن شوهرداری بالفعل یا بالقوه با مانعی جدی در برابر اشتغال خود روبه روست. در همین راستا ماده ۱۱۱۷ از قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز با بیان این که «شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند» حق اشتغال زن را تابع اراده شوهر دانسته و به این ترتیب، مانعی قانونی در برابر اشتغال زنان شوهر دار قرار داده است. برخی تا آن جا پیش رفته اند که حتی قانون نفقه (ماده ۱۱۰۶ از قانون مدنی) را که برگرفته از نص قرآن کریم است، حاوی پیام ضد اشتغال زن دانسته و خواهان تجدید نظر در آن شده اند، چرا که به موجب این قانون، نفقه زن در عقد دائم بر عهده شوهر قرار داده شده است و این امر می تواند کاهش مشارکت شغلی زنان را در پی داشته باشد. حال باید دید تا چه اندازه می توان با ادعاهای یاد شده موافقت کرد.

یادآوری چند نکته در این زمینه لازم است: نکته نخست، عدم منافات این حکم اسلامی با حق اشتغال زن است، زیرا به موجب قاعده اشتراط ضمن عقد که در فقه اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است، زن می تواند برخورداری از حقوق مختلف، از جمله حق تحصیل و حق اشتغال در خارج از منزل را در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگری که با شوهر می بندد شرط کند. نکته



دوم راجع به توجه ویژه ای است که اسلام به ممنوعیت ضرر رساندن به دیگران نشان داده است؛ بدین لحاظ، چنان چه ممانعت شوهر از خروج زن از منزل در شکل اضرار باشد، که البته تشخیص آن بر عهده افراد ذی صلاح خواهد بود، بنابر موجه ترین برداشت در مورد قاعده نفی ضرر حتی امکان برخورد قضایی با شوهر در اسلام پیش بینی شده است.

سومین نکته نیز آن است که با توجه به شواهد عینی، مانع شرعی یاد شده در مقایسه با موانع اخلاقی و فرهنگی تاثیر اندکی دارد؛ چون در سال های اخیر، شاهد افزایش قابل توجه اشتغال زنان همراه با کاهش مخالفت مردان با این امر بوده ایم؛ از این رو، با فرض نبود موانع اخلاقی و فرهنگی نمی توان حکم شرعی مزبور را مانعی جدی در برابر اشتغال زنان قلمداد کرد.

با توجه به نکات فوق، پاسخ ایراد به ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی هم مشخص می شود و لذا این ماده قانونی نمی تواند مانعی جدی در برابر اشتغال زنان به حساب آید. بدیهی است در استناد به این نکات برای توجیه قانون مزبور، فقط ناظر به مواردی هستیم که تشخیص شوهر در مورد منافی بودن شغل زن با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا همسر، تشخیص نادرستی باشد یا اینکه وی به بهانه های واهی در صدد جلوگیری از اشتغال همسرش برآمده باشد؛ در این صورت، ممانعت او از شغل همسر، اقدام ناموجهی تلقی نخواهد شد. اما ادعای ناسازگاری قانون نفقه با اشتغال زنان در حقیقت به معنای ناسازگاری این قانون با برابری شغلی بین زن و مرد است، نه با اصل اشتغال زن. از این رو ایراد مزبور تنها از سوی کسانی قابل طرح است که برابری و تشابه جنسی میان زنان و مردان را به عنوان هدف غایی در عرصه اشتغال زنان مفروض می گیرند. ولی با رد این پیش فرض، هیچ ایرادی به قانون نفقه از جهت ناسازگاری آن با اشتغال زنان وارد نخواهد بود.

پیامدهای اختلاط جنسی در محیط کار

چون الگوهای غیر اسلامی اشتغال زنان غالباً اختلاط جنسی را مفروض می گیرند، به بروز دشواری ها و تعارضاتی برای خود زنان می انجامند که گاه به موانعی در برابر اشتغال آنان تبدیل می شوند. آزار جنسی در محیط کار یکی از مهم ترین مشکلاتی است که زنان شاغل در بسیاری از جوامع، به ویژه در جوامع غربی از آن رنج می کشند و گمان نمی رود بدون تجدید نظر در مبنای اختلاط جنسی، این مشکلا راه حل مناسب خود را بیابد. بر طبق برآوردها، در انگلستان از



هر ده زن، هفت زن در دوره زندگی شغلی خود به مدتی طولانی دچار آزار جنسی می گردند. این قبیل واقعیت ها از آن جا ناشی می شوند که بیشتر مردان اعم از مدیران، کارفرمایان، همکاران و مشتریان هرچند به طور ناخواسته به زنان هم چون موجوداتی جنسی می نگرند و این طرز نگرش به طور طبیعی در رفتار آنان منعکس می یابد. این در حالی است که پس از انقلاب اسلامی ایران، کاهش اختلاط جنسی در اماکن عمومی و به ویژه در محیط های شغلی به سبب بالا بردن احساس امنیت در زنان از سوی بیشتر آنان مورد استقبال قرار گرفته است. (رستمی، جنسیت، اشتغال و اسلام گرایی، ص ۹۵-۹۶)

مشکل دیگری که برخی از صاحب نظران فمینیست به آن توجه داده اند، تعارض نقش های شغلی و نقش های زنانگی است که زنان غربی معمولاً با آن روبرو می شوند. نظر به اینکه فرهنگ غرب، انحصار خانواده را به عنوان مکان بروز زنانگی در هم شکسته است، زنان شاغل حتی اگر خود را از برخی نقش های زنانه - به طور خاص، همسری و مادری - به طور کامل رها سازند، در محیط شغلی به گونه دیگری از عوارض زنانگی رنج می برند. به گفته سیمون دوبوار، زن شاغل از جهانی وضعیت نامناسب تری نسبت به همسر و مادر خانه نشین دارد؛ زیرا از او در تمامی اوقات و همه مکان ها انتظار می رود که همانند یک زن رفتار کند. یعنی ناگزیر است افزون بر وظایف شغلی، وظایفی را نیز که زنانگی مستلزم آن ها است (به طور خاص ارائه ظاهری دلپذیر) در دستور کار خود قرار دهد.

در نتیجه، تعارضی درونی بین علقه های شغلی و علقه های زنانگی در خود احساس خواهد کرد، وی به میزانی که به علقه های شغلی خود اهتمام ورزد، احساس می کند که از نمونه های زنانگی (زنانی که روزهای خود را در سالن های زیبایی می گذرانند) عقب افتاده است و به میزانی که به آراستگی ظاهری خود توجه نماید، احساس خواهد کرد که کارش نسبت به مرد شاغل در سطح پایین تری قرار می گیرد.

الگوی اسلامی اشتغال زن، اصل را بر کاهش اختلاط جنسی در حوزه های عمومی جامعه قرار می دهد. قرآن کریم در داستان دختران شعیب علیه السلام به این نکته اشاره نموده و می فرماید: « هنگامی که موسی به چاه آب مدین رسید، گروهی از مردم را دید که در حال سیراب کردن



چهارپایان خود بودند و کمی آن طرف تر دو زن را دید که گوسفندان خود را به سمت آب نمی آوردند. موسی از آن دو پرسید: شما چه می کنید: ما به آن ها آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی خارج شوند و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (که نمی تواند چوپانی گوسفندان را به عهده بگیرد) « از این گذشته، اسلام بروز جنبه های جنسی زنانگی را در خارج از قلمرو خصوصی خانواده رد می کند. براین اساس، ضمن آن که احتمال آزار جنسی در محط کار به عنون یکی از موانع اشتغال زنان به میزان قابل توجهی کاهش می یابد، انتظار می رود اهتمام زنان در آن محیط صرفاً معطوف به علقه های شغلی شود و سطح موفقیت شغلی آنان افزایش پیدا کند.

ولی متأسفانه واقعیت های اجتماعی هموره فاصله زیادی با این تصویر آرمانی داشته اند و شاید نتوان جامعه یادوره ای از تاریخ را یافت که در آن زنان توانسته باشند با آسایش خاطر و بدون هیچ گونه آزار و مزاحمتی از سوی مردان به کار بیرون از منزل بپردازند. به نظر می رسد این امر که خود ریشه در تفاوت های طبیعی زن و مرد و ضعف تربیت اخلاقی افراد دارد، یکی از نکاتی است که اسلام در اولویت دادن به اشتغال مردان در مقایسه با اشتغال زنان در نظر گرفته است.

به هر حال، اسلام تنها با الگویی از اشتغال زنان موافق است که سلامت اختلاقی جامعه را به مخاطره نیفکند و موجب افزایش نا امنی جنسی نگردد.

نتیجه بحث

نتیجه ای که از این تحقیق می توان گرفت این است که دین اسلام زن را در کنار مرد در خانواده و جامعه به فعالیت های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تشویق کردی همچنن که حضرت خدیجه همسر یامبر گرامی اسلام (صلی الله و علیه و آله و سلم) در کنار شوهرش به فعالیت پرداخت و در پیروزی انقلاب رسول اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) نقش بسزایی داشت.

این تحقیق که جزو یکی از تحقیقات دینی بوده بطور واضح فعالیت های اقتصادی زنان را بیان کرده و هیچ گونه مخالفتی با اشتغال زنان نداشته در این تحقیق روشن شد که اسلام در جایی که مرد نتواند از عهده ی مخارج خانواده برآید زن را تشویقی می کند اشتغال داشته باشد البته به شرطی که باعث فساد وی و جامعه نشود و به نقش اصلی او که همسری و مادری است ضربه



نخورد.

و پیشنهاد می شود که زنان در محیط هایی کار کنند که با مردان انفعال هستند به شغل هایی روی آورند که بتوانند در منزل خود انجام دهند از قبیل رسیدگی، بافندگی و یا خدمات خانگی. و مشکلاتی که در سر راه این تحقیق وجود داشت این بود که کتب مورد نیاز در این زمینه بطور راحت در دسترس نبوده و وقت کافی وجود نداشت.



منابع

*قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات الهادی، قم.

- ۱- ابن شعبه، حسن بن علی، ۱۳۸۳، **تحف العقول**، ترجمه: پرویز اتابکی، قم، دارالحدیث.
- ۲- بستان، حسین، ۱۳۸۸، **اسلام و تفاوت های جنسیتی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۳- حر عاملی، ۱۴۰۹، **وسایل الشیعه**، قم، موسسه آل بیت علیهم السلام.
- ۴- دوست محمدی، هادی، ۱۳۶۸، **کتاب شخصیت زن از دیدگاه قرآن**، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۵- رستمی، الهه، ۱۳۷۹، **جنسیت، اشتغال و اسلام گرایی**، تهران، جامعه ایرانیان.
- ۶- سفیری، خدیجه، ۱۳۷۷، **جامعه شناسی اشتغال زنان**، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- ۷- صدر، حسن، ۱۳۵۷، **حقوق زن در اسلام و اروپا**، تهران، جاویدان.
- ۸- طبرسی، حسن بن فضل، بی تا، **مکارم الاخلاق**، بی جا، بی نا.
- ۹- فرجی، محمد، ۱۳۸۵، **قانون جمهوری اسلامی ایران**، تهران، طرح نوین اندیشه.
- ۱۰- فلسفی، محمدتقی، ۱۳۷۷، **مکارم الخلاق**، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.



۱۱- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۲، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی*
ایران، تهران، اقبال.

۱۲- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، *اصول کافی*، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران،
دفتر نشر فرهنگ.

۱۳- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، *بحار الانوار*، بیروت، موسسه الوفاء.

۱۴- مصطفوی، فریده، ۱۳۸۲، *زن از منظر اسلام*، قم، بوستان کتاب.

۱۵- ناظر زاده کرمانی، فرناز، ۱۳۷۸، *فاطمه الگوی آسمانی برای زنان زمینی*،
قزوین، نوادر.

۱۶- ناظمی، غلامرضا، ۱۳۸۹، *برابری زن و مرد در اسلام و غرب*، مشهد، ضریح
آفتاب.

۱۷- نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*،
قم، موسسه آل البيت عليهم السلام.